

[معنای حصر داشتن انما 1](#_Toc92121845)

[نظر فخر رازی در مورد آیه ولایت 1](#_Toc92121846)

[اشکال مرحوم خویی و نقد آن 1](#_Toc92121847)

[مختار استاد 2](#_Toc92121848)

[نقد کلام فخر رازی 2](#_Toc92121849)

[قرینه بر خلاف حصر داشتن 2](#_Toc92121850)

[تفاوت نداشتن أنما و إنما 3](#_Toc92121851)

[بل اضرابیه 4](#_Toc92121852)

**موضوع**: بررسی کلمات /مفهوم انما /مفاهیم

# معنای حصر داشتن انما

بحث به مناسبت در ایه شریفه انما ولیکم الله و رسوله ... بود. آیا انما دلالت بر حصر دارد یا نه؟

## نظر فخر رازی در مورد آیه ولایت

فخر رازی بر خلاف آن چیزی که در موارد عدیده ای ادعا کرده و گفته انما ظاهر در حصر است، به این آیه شریفه که رسیده، دلالت آیه شریفه بر حصر را انکار کرده است. بر خلاف امامیه که قائل به انحصار هستند. عناد و عصبیت انسان را کور می­کند و گاهی اوقات بر خلاف ارتکاز و اعتقاد و اخلاقش حرف می­زند. به بعضی از ایات استشهاد کرده که انما استعمال شده و دلالت بر حصر ندارد. مثل انما الحیوة الدنیا لهو و لعب.

### اشکال مرحوم خویی و نقد آن

مرحوم خویی جواب نقضی و حلی داد. یک مطلب در جواب حلی باقیمانده است. ایشان فرق گذاشت بین این که حیات اضافه شده باشد یا این که دنیا صفت باشد. به نظر می­آید که فرق آنها به این معنا نامفهوم است. در بعضی از آیات حیات دنیا در مقابل حیات اخرت آمده است. شاید خواسته بگوید که در بعضی ازموارد این گونه است.

مرحوم خویی در ادامه کلامشان فرمود: وقتی که در مقابل اخرت نمی­آورند دو بُعد دارد: یکی جهت پستی و دنائت و دیگری جهت دنیّ بودن مد نظر نیست. ما اگر حیات دنیا را لحاظ کنیم دو وجه دارد می­تواند دنیّه باشد و می­تواند راقیه باشد. جهت صفتی دنیا مد نظر نیست. در جایی که گفته است و ما الحیوة الدنیا الا لهو و لعب، حیث دنائتش را مد نظر گرفته است. در این صورت فقط لهو و لعب است و انحصار را می­فهماند.

به نظر ما این معنا دور از ذهن است. خلاف متفاهم عرفی است. مردم از حیات دنیا همین حیات زود گذر را می­فهمند. جواب مرحوم خویی همین است: انما الحیوة الدنیا لهو و لعب دلالت بر حصر دارد و جهت دنائتش مد نظر گرفته شده است. بعید است که عرف از حیات دنیا این مطلب را بفهمد.

## مختار استاد

ما این گونه جواب می­دهیم: انما در این جا هم دلالت بر حصر دارد ولی به صورت ادعائی؛ چرا که غالب آن چیزی که در دنیا اتفاق می­افتاد همین لهو و لعب و تفاخر... است. خیلی از نمازهایی که اتفاق می­افتد برای صید است. بعضی با دین خدا هم بازی می­کنند چه برسد به امور متعلق به دنیا. مثل این که بفرماید: در عبادتی که تدبر در آن نباشد خیر نیست. این گونه عبادت صحیح است و مسقط تکلیف است ولی خیر ندارد. این مطلب یک نوع ادعاء است. منظور ایه این است که روال طبیعی دنیا لهو و لعب است.

### نقد کلام فخر رازی

اما اینکه ایشان گفت: در ایه شریفه انما مثل الدنیا کماء..... آمده و در جای دیگری کمثل غیث آمده است و دلالت بر حصر ندارد، صحیح نیست.

شاید اصلا انما در این جا برای حصر موصوف در صفت نیست هر چند که ظاهر انما حصر موصوف در صفت است مثل انما الهکم اله واحد، و نادر است انما زید هو اعلم که قصر صفت بر موصوف کند. به نظر ما نمی­خواهد بگوید که دنیا منحصر در این مثل است. این که دنیا مثل هر چیزی باشد، صفت دنیا است و از اختصاصات دنیا هستند نه این که دنیا مختص به آنها است، در مقابل آخرت. ایه بعد از انما مثل الدنیا کماء .... و الله یدعو الی دار السلام....... است.

#### قرینه بر خلاف حصر داشتن

حالا اگر کسی این مطلب را نگفت و ظاهرش این است که دنیا را می­خواهد منحصر کند، ما می­گوییم این آیه قرینه دارد که حصر را نمی­خواهد برساند. اشیاء غالبا امثله زیادی دارند و از اول به مناسبت حکم و موضوع که تشبیه می­کند حصر را نمی­خواهد بیان کند. برخلاف انما ولیکم الله که جعل ولایت و متولی مناسبت با وحدت دارد، نه این که هر کسی ولیّ باشد. به نظر می­آید منحصر در شخص خاصی باشد. اما در تمثیل این گونه نیست. لذا قیاس فخر رازی نسبت بین دو آیه مع الفارق است.

اشکالی ندارد که انما با این که ظهور در حصر دارد، به وسیله قرینه و دلیل منفصلی که بر خلاف حصر است، موجب نفی دلالت انما بر حصر باشد.

خلاصه: ظاهر از کلمه انما حصر است و قبول کردیم که نمی­دانیم مرادف کلمه انما در فارسی چه چیزی است. زبان عربی از نظر کلمات اوسع از فارسی است. این که ما مرادفات هر لفظی در لسانی پیدا شد، بگوییم مرادف هستند، سخت است. اما این که سبب بشود دستمان از استظهارات کوتاه بشود صحیح نیست.

1. ما ارتکاز عربی پیدا کردیم
2. از انما حصرتبادر می­کند.
3. اگر می­خواهید اطمینان برسید قول اهل لغت را اضافه کنید.
4. علاوه بر این کثرت استعمال هم حصر را می­رساند.
5. همچنین علما اهل لسان هستند و در بعضی از موارد شک می­کنند ولی در حصر انما شک نداشتند.
6. علاوه بر این،الهکم واحد، انما الهکم واحد، ان الهکم واحد، وقتی که ان را به کار می­برند یک معنای اضافی را می­خواهند برساند. حالا انما را آورده است و به نظر می­آید که معنای اضافه دارد.

این منبهات به هم ضمیمه بشوند که کثرت استعمال در ذهن ما خیلی مهم است و مشهور است و ادعا نیست. برخلاف تبادر که ادعا است و کسی می­تواند بگوید خلافش تبادر می­کند.

انما برای حصر است و برای نفی ما عدا است. برای فهماندنِ فقط است. حالا فقط به صورت کلی یا به صورت اضافی است. حصر موصوف در صفت که معمول است و بالعکس. بالاخره یک اختصاصی را می­اورد و با قرائن و مناسبات کیفیت ان به دست می­اید.

### تفاوت نداشتن أنما و إنما

قبلا هم گفتیم که أنما و إنما فرقی ندارند و اختلاف در اعراب و صیاغت است. نمی­دانم چطور شده است که بعد از واعلم أن گفته می­شود و در بعضی از موارد إنما گفته می­شود. سرّ آن برای ما معلوم نیست. ادبیات استقراء ناقص کرده است ولی دلیل آن معلوم نیست. سماعی است. نکته این گونه چرخیدنِ زبان چیست؟

# بل اضرابیه

مفهوم بل اضرابیه نفی حکم از قبل است. این حکم نسبت به قبل منتفی است. بل اضرابیه در مقابل بل ترقی است. بل ترقی مفهوم ندارد. مثلا می­گوید علما آمدند بلکه همه مردم آمدند. توهم برای مفهوم در بل اضرابیه است. مفهوم یعنی نفی حکم بعد از بل برای قبل از بل.

آیا بل اضراب دلالت بر اضراب دارد یا نه؟

مرحوم آخوند یک بحث ثبوتی دارد. ایشان فرموده است: بل اضرابیه ممکن است متکلم چند نحوه استخدام کند. بحث اثباتی را درست توضیح نداده است و در تقریرات توضیح داده است. ادامه بحث در جلسه آینده.